

ضرورت تشدید تلاش در راه
سازمان دهی جنبش مستقل
جوانان و دانشجویان
به مناسبت سالگرد تأسیس سازمان
جوانان توده ایران

نگاهی به تاریخ

روز اول فروردین سالگرد تأسیس سازمان
جوانان توده ایران است. نزدیک به شش دهه
پیش، یعنی، در اولین روز سال ۱۳۲۲، حزب توده
ایران با توجه به ضروریات عینی جامعه و به ویژه

ادامه در صفحه ۴

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در

کنفرانس بین المللی برای همبستگی با مردم فلسطین «مسأله فلسطین راه حلی نظامی ندارد»

در ص ۸



شماره ۶۳۲، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲۷ فروردین ۱۳۸۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره درگذشت دکتر یدالله سبحانی در ص ۳

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب
توده ایران در هفتمین کنگره سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در ص ۲

آزادی زندانیان سیاسی، تلاشی که باید ادامه یابد

هفته گذشته در پی یک محاکمه فرمایشی
دکتر حبیب الله پیمان با قرار وثیقه ای به مبلغ
صد میلیون تومان بعد از تحمل مدت ها زندان
که اکثراً به صورت انفرادی بوده است، آزاد
گردید. دکتر پیمان بعد از آزادی از زندان در
مصاحبه ای که با روزنامه نوروز، ۲۲ فروردین
انجام داد، گفت: «مخالفان اصلاحات برای
جولوگیری از مشارکت نیروهای ملی مذهبی در
پیشبرد اصلاحات دست به این برخوردها زدند.»
پیمان در باره نقاط ضعف جنبش مردمی اظهار
داشت: «یکی از نقاط ضعف جنبش های
اصلاحی در جامعه ایران، فقدان ارتباط مستمر و
درازمدت و گفت و گو میان نیروهای مختلف در
باره اهداف اصلی و ملی جنبش
است. برخوردهای اخیر که منجر به حمایت یک
جریان از حقوق شهروندی جریان دیگر شد می
تواند زمینه مناسبی برای همدلی و همکاری های
آینده همه کسانی باشد که طرفدار آزادی،
مشارکت و امنیت شهروندان هستند. وی از

بقیه در صفحه ۲

درس تاریخی که باید آن را آموخت

سازمان دهی نیروی مردمی یگانه راه پیروزی روند اصلاحات و استقرار حکومت مردمی

هستند تنها با سازمان دهی وسیع نیروهای مردمی و
تشدید فشار از پایین برای وادار کردن حکومت گران
به عقب نشینی امکان تحقق دارد. آنچه ما در پنج سال
گذشته شاهد آن بودیم جز این را حکایت می کند.
استراتژی کسانی که با رأی مردم روی کار آمدند اساساً
متوجه «رایزنی» با «بالا» و در مجموع حفظ ساختاری
بوده است که همخوانی با خواست و اراده مردم ندارد.
درسی که باید از حوادث تاریخی گرفت، این است
که حرکت آگاه، واحد و سازمان یافته توده ها می تواند
هر سدی را از سر راه بردارد. نظامیان و نزوئلا فکر می
کردند که می توان با حمایت خارجی و امکانات
تبلیغاتی، مالی و نظامی اراده مردم را خرد کنند و راه را
برای حاکم کردن مجدد حکومت های دیکتاتوری در
این کشور هموار سازند ولی اراده مردم درس تلخی را
به نظامیان و حامیان بین المللی آنان داد. در ایران نیز
توده های بسیج شده، سازمان یافته این توان را دارند
که سد ارتجاع حاکم را در هم شکنند، ولی تجربه پنج
سال گذشته، از جمله حملات مداوم ارتجاع به جنبش
دانشجویی و دیگر نیروهای دگراندیش نشان داده است
که جنبش پراکنده توده ای بدون سازمان یافتگی و
انسجام بسیار ضربه پذیر است.
نکته دیگر در این زمینه هراس شمار زیادی از
«نیروهای اصلاح طلب حکومتی» از شرکت فعال توده
ها در تعیین سرنوشت خودشان است. بحث های این

ادامه در صفحه ۶

در روزهای اخیر خبر کودتای نظامیان
و نزوئلا بر ضد دولت مردمی و ترقی خواه این
کشور و سپس شکست کودتا در پی حمایت
وسیع مردم از دولت منتخب و شکست کودتا،
حاوی درس های مهمی است که توجه به آن در
اوضاع میهن ما ضروری است. روزنامه «نوروز»
در مقاله اصلی روز دوشنبه ۲۶ فروردین ماه با
عنوان «پیروزی مردمسالاری؛ شکست
کودتاچیان» ضمن اشاره به این موضوع به
صورت تلویحی به جناح «ذوب در ولایت»
هشدار داد که کودتا بر ضد اصلاحات می تواند
همچون و نزوئلا با شکست کودتاچیان رو به رو
گردد. تجربه و نزوئلا در کنار ده ها تجربه تاریخی
دیگر در گوشه و کنار جهان تأکیدی بر این اصل
اساسی است که اتکاء به نیروی مردمی یگانه راه
حل معضلات و راه گشایی به سمت تحولات
بنیادین در جامعه است.

جنبش اصلاح طلبی در کشور ما در دوم
خرداد ۱۳۷۶ با نیروی ۲۰ میلیونی توده ها عزم
خلل ناپذیر خود را دایر بر تحولات اساسی به
سمت استقرار دموکراسی و آزادی اعلام کرد و
مخالفت آشکار و روشن خود را بر ضد شیوه یی
از حکومت داری اعلام کرد که مردم را صغیر می
بیند. این خواست اساسی مردم با توجه به
وضعیت کشور ما و با توجه به امکانات وسیع
سرکوبگرانه یی که مرتجعان حاکم از آن بهره مند

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه آزادی زندانیان ...

مطبوعات و نهادهای مدنی و اصلاح طلبان خواست تا در موارد دیگر نیز نظیر موضوع ملی- مذهبی ها از حقوق اساسی هر فرد و جریانی فارغ از عقیده و مسلک آن دفاع کنند تا به ایجاد یک فرهنگ مدنی در کشور منجر شود. انتظار می‌رود بعد از محاکمه فرمایشی تقی رحمانی هم همچون دیگر نیروهای ملی- مذهبی آزاد شود.

اما نکته قابل توجه اینکه اتهامات وارد شده به تقی رحمانی که ارتداد هم جزو آنان می باشد، سئوالات گوناگونی را به وجود می آورد که آیا وضعیت تقی رحمانی در آینده متفاوت با دیگر نیروهای ملی- مذهبی می باشد یا نه؟ حتی نوع آزادی نیروهای ملی- مذهبی هنوز هم با ابهاماتی روبرو است. قرارهای سنگین وثیقه ای که در قبال آزادی این نیروها تاکنون درخواست شده، رژیم ولایت فقیه و قوه سرکوبگر قضاییه را قادر می سازد با استفاده از شیوه های مرسوم «قانونی» به تشدید فشار بر این نیروها در آینده دست بزنند.

ما ضمن تاکید دوباره بر این مسأله که مبارزه برای رهایی تمامی زندانیان سیاسی باید بدون استثنا ادامه یابد، این واقعیت تردید ناپذیر را یادآور می شویم که هنوز تعداد زیادی از نیروهای شناخته و ناشناخته ای در درون زندان ها و سیاه چال های رژیم ولایت فقیه بسر می برند که با وضعیتی به مراتب وخیم تر روبرو هستند.

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به دعوت شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شرکت کرد. در جریان هفتمین کنگره نماینده کمیته مرکزی حزب پیام تبریک کمیته مرکزی را برای شرکت کنندگان و میهمانان کنگره قرائت کرد، که مورد استقبال قرار گرفت. متن پیام کمیته مرکزی حزب به شرح زیر است:

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن تبریک برگزاری هفتمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درودهای گرم خود را به شما و همه رفقای فدایی تقدیم می کند. مبارزه در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، آرمان ها و اهداف بزرگی هستند که ما را به یکدیگر پیوند می دهند. حزب توده ایران از همان نخستین سال های پایه گذاری جنبش فدائیان، با وجود اختلافات نظری، با احساس مسئولیت به مبارزه شما نگرسته و معتقد بوده و هست که اعتقادات مشترک ما در راه رهایی توده های محروم از زنجیرهای استبداد و استثمار اصول مشترک نیرومندی هستند که توده ای ها و فدائیان را در کنار هم و در یک سنگر قرار می دهند. ما همچون شما معتقد بوده ایم و تاکید داریم که اتحاد عمل نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن ما، به ویژه اتحاد عمل در بین نیروهای مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان، عامل اساسی و انکار ناپذیر در راستای ایجاد یک جایگزین مردمی و دموکراتیک در مقابل رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» است.

رفقای عزیز!

هفتمین کنگره شما در اوضاع فوق العاده حساس داخلی و خارجی برگزار می شود، و از این رو وظایف دشواری را پیش روی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه در تبیین و تصریح میرم ترین مسایل پیش روی جنبش، قرار داده است. ما و شما در این ارزیابی اشتراک نظر داریم که جنبش مردمی با وجود یورش های پی در پی رژیم ولایت فقیه همچنان به پیکار خود ادامه می دهد. این مبارزه بررغم ممانعت و تسلیم طلبی «اصلاح طلبان» حکومتی و با وجود همه ضرباتی که جنبش در سال گذشته متحمل شده است، از جمله دستگیری ده ها تن از نیروها و شخصیت های ملی - مذهبی، که هنوز شماری از آنان در شکنجه گاه های رژیم محبوس هستند، این توان را دارد که در صورت سازمان یافتگی و ارتقاء کیفی راه دست یابی به تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در میهن ما را بگشاید. مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان، پیکار دلیرانه جوانان و دانشجویان به همراه روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان مردمی و مترقی و مقاومت ستایش برانگیز زنان بر ضد رژیم در سال های اخیر شاهد نیرومندی بر این مدعاست.

رفقا

تشدید نظامی گری در جهان پس از رخ داد ۱۱ سپتامبر اوضاع جهانی را به وخامت کشانده و تنش های بس خطرناکی را در جهان و منطقه سبب شده است. تشدید حضور نظامی آمریکا و هم پیمانانش در منطقه در کنار خطر گسترش برخوردهای نظامی بر ضد عراق و میهن ما ایران، زیر لوای مبارزه برضد تروریسم، خطرات جدی بی هستند که جنبش مردمی در میهن ما را تهدید می کنند. ارتجاع حاکم با استفاده از تهدیدات صورت گرفته، از سوی جورج بوش، مترصد است که با متهم کردن جنبش اصلاح طلبی به وابستگی به آمریکا، پنهان شدن زیر شعار حفظ «امنیت ملی» شرایط را برای اعلام شرایط فوق العاده و سرکوب خشن و خونین جنبش فراهم آورد. بدیهی است که مقابله با این توطئه های داخلی و خارجی وظیفه مهمی برای نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ماست که سازمان شما و حزب ما همه توان خود را در راه خنثی کردن آنها به کار خواهند گرفت. با توجه به این حساسیت و بغرنجی اوضاع ایران و اطراف میهن ماست که نیروهای انقلابی، مترقی و آزادی خواه، از جمله حزب ما و سازمان شما باید تلاش خود را بیش از گذشته در راه تحقق امر اتحاد عمل مدافعان صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در یک جبهه وسیع متمرکز کنند.

طرد رژیم ولایت فقیه به عنوان سد اساسی راه تحولات میهن ما، در گرو سازماندهی جنبش مردمی و گردان های اصیل آن است. این وظیفه خطیر بدون تلاش همه ما، بدون اتحاد عمل و همکاری در زمینه های گوناگون امکان پذیر نیست.

رفقای ارجمند!

ما ضمن آرزوی موفقیت برای هفتمین کنگره شما، امیدواریم که این کنگره بتواند سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را در دوران توفان زای کنونی، در رویارویی با تحولات پرشتاب و بغرنج، مجهز و آماده سازد.

با گرم ترین درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۷ فروردین ماه ۱۳۸۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره درگذشت دکتر یدالله سحابی

تجلیل با شکوه توده‌های مردم از زنده‌یاد دکتر سحابی بهترین سند داوری تاریخی نسل‌های گذشته و کنونی در باره شخصیت اجتماعی است که عمر خود را صرف مبارزه در راه آرمان‌هایش کرد. مردم خدمت‌گذاران خود را خوب می‌شناسند و بررغم همه فشارها و تلاش‌های تاریک اندیش‌حاکم از آنان تجلیل می‌کنند. تجلیل با شکوه مردم از دکتر سحابی در شرایطی صورت می‌گیرد که مستبدان حاکم بیش از یک سال پیش یاران، همفکران و فرزند او مهندس سحابی را با پرونده‌سازی به زندان و شکنجه گاه‌ها کشیدند و تلاششان نابودی نیروهای ملی و دگراندیش بود. پیام رهبر رژیم به مناسبت درگذشت دکتر سحابی، اذعان ضعف و ترس از خشم توده‌هاست، خشمی که در قبال بیدادگری قرون وسطایی نسبت به آزاداندیشان در هر فرصت مناسب خود را نشان می‌دهد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت دکتر یدالله سحابی را به خانواده، نزدیکان، دوستان و همزمانش تسلیت می‌گوید. یاد دکتر سحابی در خاطره مردم ما به نیکی و آزادگی پایدار خواهد ماند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ فروردین ماه ۱۳۸۱

هم میهنان عزیز!
دکتر یدالله سحابی، مبارز راه آزادی و عدالت، شخصیت ملی و مردمی میهن ما، روز جمعه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۱، در بیمارستان جم تهران درگذشت. دکتر سحابی عمر خود را صرف مبارزه در راه اعتلای ایران و تحقق آزادی و دموکراسی کرد و تا آخرین روزهای عمرش در راه اعتقادات خود رزمید. دکتر سحابی از معدود بازماندگان شخصیت‌های ملی ایران بود که در کنار دکتر مصدق و مهندس بازرگان در راه نهضت ملی شدن نفت ایران در سال‌های ۱۳۲۰ مبارزه کرد و در سال‌های پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به خاطر مخالفت با رژیم کودتا به زندان افکنده شد و مورد آزار و اذیت گزمگان رژیم ستم‌شاهی قرار گرفت. دکتر سحابی سال‌ها در زندان هم زنجیر توده‌ای‌ها بود و از جمله شخصیت‌های ملی کشور بود که، بررغم اختلافات نظری و دیدگاهی در کنار زندانیان توده‌ای و دیگر مبارزان راه آزادی همواره معتقد به تلاش مشترک آزادی‌خواهان در راه دست‌یابی به آزادی و حکومتی مردمی بود و به همین خاطر مورد احترام شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی کشور قرار داشت. دکتر سحابی، به همراه زنده‌یاد مهندس بازرگان در دهه چهل «نهضت آزادی ایران» را پایه‌گذاری کردند و از جمله نیروهایی بودند که فعالانه در جریان به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۵۷ در کنار توده‌ها مبارزه کردند.

مراسم بزرگداشت زنده‌یاد سحابی صحنه مبارزه بر ضد استبداد



به دنبال درگذشت دکتر یدالله سحابی، سیل پیام‌های تسلیت از گوشه و کنار کشور و جهان به همین مناسبت سرازیر گردید. روزنامه‌های روز شنبه ایران به همین دلیل برخوردهای کاملاً متفاوت اما قابل تعمقی را داشتند. روزنامه‌های اصلاح‌طلب در این روز عمده تیرهای خبری برجسته خویش را به همین امر اختصاص داده و در ستایش و قدردانی از دکتر سحابی مطالب و گزارشاتی را به چاپ رساندند. روزنامه ارتجاعی «رسالت» در این روز هیچگونه خبری را به چاپ نرساند و این مسأله را با سکوت برگزار کرد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» و روزنامه «کیهان» که تحت کنترل حسین شریعتمداری شکنجه‌گر اداره می‌شود، فقط به درج خبر درگذشت دکتر سحابی اقدام کردند بدون اینکه هیچگونه تفسیری بر آن ارایه دهند. در کل مطبوعات وابسته به اصلاح‌طلبان حکومتی با درج خبرها و تفسیرهای گوناگون آن را با اهمیت یافته و روزنامه‌های طرفدار ذوب در ولایت با نوعی بی‌تفاوتی از کنار آن گذشتند. اما مهم‌ترین نکته‌ای که در این باره باید به آن پرداخته شود آن است که علیرغم تمامی تلاش‌های مذبحانه بخصوص در طول یکسال گذشته برای مخدوش کردن چهره نیروهایی که همفکری آنان با دکتر یدالله سحابی نزدیک بود، سیل پیام‌های تسلیت تودهنی محکم دیگری برای رژیم ولایت فقیه بود. از میان دیگر چهره‌های شناخته‌شده باید به پیام آیت‌الله منتظری اشاره داشت. همچنین بسیاری از شخصیت‌های سیاسی فعال درون حکومت وابسته به جناح اصلاح‌طلب هم در این مورد پیام‌هایی را ارسال داشتند. به نظر می‌رسد در هراس از همین مسأله، روزنامه منفور «کیهان» که سابقه لجن‌پراکنی اش بر ضد نیروهای دگراندیش نزد همگان آشکار می‌باشد و بعضاً به همین مناسبت‌ها و یا دیگر موارد پرونده‌های وابستگی به سازمان «سیا» و امپریالیسم را در روزنامه برضد افراد به چاپ می‌رساند، هراسناک از عکس‌العمل توده‌ها، این بار ترجیح داد در این مورد سکوت پیشه کند. حتی علی‌خامنه‌ای بعد از دو روز سکوت در اطلاعیه‌ای درگذشت دکتر سحابی را تسلیت گفت.

نیروهای مترقی و توده‌های آگاه که هر از چندگاهی شیوه‌های جدید مقابله با رژیم ولایت فقیه را تغییر می‌دهند، اخیراً به مناسبت‌های درگذشت افرادی که وجهه ملی و مردمی دارند و یا به نوعی در ارتباط با نیروهای مردمی هستند، سیلی‌های معنی‌داری را به رژیم ولایت فقیه تحمیل می‌کنند.

درگذشت دکتر یدالله سحابی بار دیگر این درس را به رژیم ولایت فقیه داد که یاوه‌گویی‌ها و پرونده‌سازی‌ها برضد نیروهایی که دل در گرو آزادی و بهروزی این ملت و میهن دارند، نه تنها باعث اعتبار بیشتر این نیروها می‌شود بلکه موجبات تنفر و انزجار هر چه بیشتر ذوب‌شدگان در ولایت، نزد توده‌ها را فراهم می‌آورد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

خود به شکستی مفتضحانه انجامید.

مبارزه قهرمانانه جوانان و دانشجویان بر ضد رژیم «ولایت فقیه» در سال های اخیر خصوصاً در سال های پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، نمونه روشنی از تنفر و انزجار عمیق جوانان و دانشجویان کشور از تاریخ اندیشی ضد مردمی رژیم حاکم بر میهن ماست. در جریان اوج گیری مبارزات مردمی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، جوانان و دانشجویان نقش مهم و ویژه ای را ایفا کردند. حضور پر توان جنبش جوانان و دانشجویان در عرصه انتخابات، افشای بی امان و پیگیر ارتجاع حاکم و شرکت فعال در حوزه های مختلف رأی گیری توانست در دوم خرداد ۱۳۷۶، ضربات سهمگینی را بر پیکر ارتجاع حاکم وارد آورد. ارتجاع با درک خطر جدی که جنبش سازمان یافته جوانان و دانشجویان آن را تهدید می کند تلاش سازمان یافته و همه جانبه یی را برای نابودی این جنبش به کار گرفت. یورش های مداوم چاقو کشان و چماق داران «ولی فقیه»، «انصار حزب الله» و دیگر نهادهای پنهان و آشکار وابسته به دستگاه های سرکوبگر رژیم افزون بر دستگیری وسیع فعالان جنبش دانشجویی بخشی از این برنامه سازمان یافته رژیم بر ضد جنبش جوانان میهن ما بود. این توطئه سهمناک در ۱۸ تیر سال ۷۸، در پی یورش گزمنگان مسلح رژیم به خوابگاه دانشگاه تهران، و خیزش جنبش دانشجویی در شهرهای گوناگون و پشت کردن خاتمی و بخش های عمده یی از اصلاح طلبان حکومتی به این جنبش توانست ضربات جدی یی بر پیکر جنبش جوانان و دانشجویان وارد کند. دستگیری بیش از ۱۴۰۰ کادر فعال جنبش دانشجویی، که شماری از آنان همچنان در سیاه چال های رژیم زیر شکنجه و آزار گزمنگان استبداد قرار دارند و ایجاد جو رعب و وحشت جنبش دانشجویی را برای مدتی زمین گیر کرد. ولی بر خلاف تصورات خام سران رژیم جنبش جوانان و دانشجویان کشور توانست با غلبه بر همه دشواری ها و فشارهای دستگاه قضایی و ارگان های سرکوبگر بار دیگر حضور فعالانه خود را در جامعه ما سازمان دهی کند و با شرکت فعال در انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، بار دیگر نقش موثری در ضربه زدن به ارتجاع ایفا کند.

شرایط حساس و دشوار کنونی

ارتجاع با درک این حقیقت که توطئه سرکوب خونین ۱۸ تیر نتوانست جنبش جوانان و دانشجویان کشور را به شکست بکشاند و گوشه نشین کند، در سال گذشته تلاش های جدیدی را در جهت منفعل و بی اثر کردن این جنبش آغاز کرد. ایجاد انشعاب در صفوف دفتر تحکیم وحدت، با همیاری شماری از اصلاح طلبان حکومتی، دستگیری وسیع عناصر موثر کادرهای فعال توانسته است جنبش دانشجویی را با مشکلات جدی سازمان دهی و ادامه مبارزه روبه رو کند. در روزهای اخیر با توجه به اوج گیری بحران خاورمیانه و ضرورت مسأله همبستگی با پیکار خلق فلسطین باردیگر دانشگاه های کشور شاهد جنبش و جوش تازه یی است. تجربه گذشته نشان داده است که جنبش دانشجویی باید تلاش کند سازمان های مستقل صنفی خود را به دور از مدار نفوذ جناح های مختلف حکومتی ایجاد کند. سازمان هایی که در دایره نفوذ جناح های حکومتی قرار دارند در انتها قادر نیستند به وظایف خود در راه احقاق حقوق جوانان و دانشجویان کشور عمل کنند. وجود ده ها انجمن دانشجویی در دانشگاه های مختلف کشور زمینه مناسبی برای تلاش و سازمان دهی یک تشکل وسیع دانشجویی به عنوان هماهنگ کننده این فعالیت هاست.

تلاش در این زمینه در سال ۸۱، یعنی سالی که ارتجاع تلاش های گسترده یی را برای یک سره کردن روند اصلاحات در میهن ما تدارک دیده است، از اهمیت ویژه یی برخوردار است. جوانان و دانشجویان توده یی با اتکاء به تاریخ شش دهه پیکار افتخار آفرین خود می توانند و باید نقش فعالی را در این زمینه ایفا کنند.

ادامه ضرورت تشدید تلاش در راه سازمان دهی جنبش مستقل ..

فعالیت نیروهای فاشیستی در جهت جلب حمایت نسل جوان و برای سازمان دهی مبارزه مهم و شرکت آگاهانه نسل جوان در تعیین سرنوشت شان سازمان جوانان توده ایران را تشکیل داد. تشکیل سازمان جوانان توده ایران به عنوان اولین سازمان سیاسی و صنفی جوانان میهنمان، تحولی عظیم در زندگی سیاسی و اجتماعی آنان پدید آورد. صفوف سازمان جوانان با مبارزاتی پر شد که معتقد بودند باید حق شرکت در اداره سیاسی جامعه و تاثیر گذاری بر آن، بدان ها داده شود. نسل جوان توده ای، با پیروی از خط مشی انسانی و رهنمود های تحول طلبانه و ترقی خواهانه حزب توده ایران، نقش ارزنده ای در تحول فکری جوانان ایرانی ایفا کرد. عنصر محوری فعالیت های حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران، تشکل مبارزات نسل جوان کشور و حرکت در جهت وحدت تمامی جریان های ترقی خواهانه جنبش جوانان بود که تحول کیفی یی را در مبارزات سیاسی در ایران به وجود آورد. اگر پیش از سال های دهه ۲۰ مداخله در سیاست فقط امری مربوط به «سیاستمداران» حرفه ای بود به همت سازمان جوانان توده ایران بخش عمده ای از مردم و به ویژه نسل جوان به مبارزه یی متشکل، وحدت جویانه و همه گیر روی آوردند.

تاریخ شش دهه فعالیت جنبش توده ای در کشورمان به درستی اثبات کرده است که هرگاه امکان فعالیت آگاهی بخش و تشکل دهنده حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران فراهم بوده است، جوانان کشور ما در وسیع ترین صفوف در جنبش ترقی خواهانه شرکت کرده اند و درست به همین دلیل محافل حاکمه ارتجاعی در هیچ دوره یی تاب تحمل مبارزه آزادانه جنبش توده ای را نداشته اند.

جوانان توده ای تلاش کرده و می کنند تا سازمان های صنفی و وسیع جوانان و دانشجویان در میهن ما پا بگیرد. تشکیل سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، که در سال های طولانی اختناق ستم شاهی نقش ارزنده یی در افشا رژیم سلطنتی و سازمان دهی کارزاری بین المللی در حمایت از مبارزات مردم میهن ما نقش ارزنده یی ایفا کرد، از جمله این تلاش هاست.

رهبران رژیم جمهوری اسلامی، همسان اسلاف تاجدارشان، در اولین اقدامات ضد مردمی خود در عدول از آرمان های انقلاب ۵۷، آزادی ها و مظاهری را نشانه گرفتند که با زندگی و حیات اجتماعی نسل جوان ارتباط مستقیم داشت. «انقلاب فرهنگی» ارتجاعی رژیم که منجر به تعطیل دانشگاه ها و ممنوعیت عملی بحث و تبادل نظر سیاسی در جامعه و جلوگیری از انتشار نشریات ترقی خواه گردید، از مهمترین حربه های رهبران رژیم برای به شکست کشاندن جنبش توده ای بود که در مرکز آن نسل جوان قرار داشت.

باید اذعان داشت که اثرات فاجعه بار سیاست برتری تعهد بر تخصص و راندن هزاران متخصص و دانشمند جوان از صحنه دانشگاه ها و مراکز تخصص و پژوهش، بنیه فرهنگی - فن آوری جامعه ما را برای مدت طولانی به تحلیل برده و خواهد برد. در حالی که در اوایل انقلاب بهمین مردم کشور ما بحق خواهان اتخاذ سیاستی مدبرانه در پر کردن فاصله عمیقی بودند که طی سده پیش میان ما و کشورهای پیشرفته جهان در برخورداری از دستاوردهای آموزشی، علمی و فنی بوجود آمده بود، پس از سلطه حکومت فقها، وضع وخیم تر گردید. برنامه های ضد آموزشی رژیم به گونه ای بوده است که عقب ماندگی فرهنگی - فن آوری کشور را تشدید کرد.

واقعیت امروزی جامعه ما این است که رهبران جمهوری اسلامی ادامه حیات سیاسی خود را در تربیت نسلی سرخورده و منفعل، بیگانه با علم و اسیر اندیشه های خرافی و قرون وسطایی می بینند. به موازات استقرار رژیم سرکوبگر ولایت فقیه که نقض آزادی ها، محدودیت های آموزشی، نشر نظریات خرافی و ضد علمی و جلوگیری از انجام هرگونه پژوهش علمی را برای جوانان به ارمغان آورد؛ این بخش از جامعه بطور فزاینده ای از حاکمیت اسلامی فاصله گرفت. پیوستن ده ها هزار جوان و نوجوان به نیروهای سیاسی دگراندیش و روی آوردن به مقابله با رژیم از مشخصات این دوره است. بهترین و مستعدترین چهره های جوان کشور به دلیل مواضع ضد انسانی و سرکوبگرانه رژیم پا در درگیری های نابرابر به فجیع ترین وجهی به قتل رسیدند و به زیر شکنجه رفتند و یا مجبور به مهاجرت و جلا وطن شدن شدند. حقیقت این است که برنامه های رژیم در تحمیل خرافات، تشویق جنگ طلبی، سرکوب آزادی خواهی که اساساً هدفش ایجاد یک نسل جوان «حزب الهی» که بی هیچ سئوالی برنامه های رژیم را مورد تایید قرار دهد، در همان اولین گامهای

مشخص نقش آگاه کننده ای داشته باشند و البته همچنین از سوی اتحادیه های منطقه ای و بین المللی نظیر «سازمان امنیت و همکاری در اروپا» (OECD) و مجمع پارلمانی اروپا.»

تروویسم مردود است!

یکی از مشخصه های بارز کنفرانس کوشش ویژه و مهمی بود که از سوی نمایندگان احزاب چپ در محکومیت تروویسم و نقش تحریک کننده آن و لزوم پایان دادن به تروویسم کور نیروهای بنیادگرا که نقش تعیین کننده بی در بهانه دادن به دولت اسرائیل برای ادامه سیاست سرکوبگرانه خود داشته است، صورت گرفت. رفیق کریستوفیاس، دبیر کل «آکل» در سخنرانی خود گفت: «حملات انتحاری که موجب مرگ مردم غیرنظامی اسرائیل می شوند اعمالی هستند که به دلیل نا امید شدن و از روی یأس انجام می گیرند، و نتیجه سرکوب و بدبختی بی است که به دلیل اشغال و خفقان همه جانبه بی که از طرف اسرائیل تحمیل می گردد. این عملیات بهانه بی است که دولت اسرائیل برای «خفه کردن» مردم فلسطین و پایان دادن به ابتکارهای صلح در منطقه، بر آن تکیه می کند.» «آکل» حملات انتحاری را که باعث مرگ مردم غیرمسلح می شود را به عنوان شکلی از مبارزه برای آزادی قبول ندارد. الان زمان آن است که جامعه بین المللی یکبار و برای همیشه یک تعریف واضح از مقوله تروویسم را قبول کند که در نتیجه استفاده دلخواهانه و بی دلیل آن نتواند به مبارزات آزادیخواهانه خلقهایی که اعمال آنها هم قانونی و همچنین طبق ضروریات تاکتیکی است، ربط داده شود.» رفیق ایوانچنکو، معاون صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه گفت: «حزب کمونیست فدراسیون روسیه بارها با نظرش را در رابطه با تروویسم اعلام کرده است. ما با تروویسم از هر کجا نشئت گرفته باشد مخالفیم، اما ما تروویست خواندن کسانی که برای استقلال ملی و حق زندگی در کشور مستقل خود مبارزه می کنند، را نمی توانیم بپذیریم.»

در سخنرانی های متعددی که در طول دو روز کنفرانس ایراد شد نمایندگان احزاب چپ و ترفیخواه جهان مردود بودن شیوه های تروویستی مبارزه را مورد توجه قرار دادند. رفیق جاکوبو ونیر، از مسئولین امور بین المللی حزب کمونیست های ایتالیا در سخنرانی خود از جمله اظهار داشت: «حملات انتحاری بر ضد اشخاص غیر نظامی اسرائیلی اقدامات تروویستی غیر قابل قبول می باشند. چنین عملیاتی علیه هرگونه دورنمایی از صلح و بر ضد هرگونه امکان ایجاد دو کشور با دو ملت می باشند. به این دلیل است که ما گروه هایی را که از چنین روش هایی استفاده می کنند محکوم می کنیم، ولیکن ما ان جوانی را که در این راه خودکشی می کند را محکوم نمی کنیم، چرا که آن ها از بی علایجی و عدم وجود راه چاره به چنین امری وادار شده اند.»

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنرانی خود در کنفرانس پس از بر شمردن جنایات و تعدیات نیروهای اسرائیلی در این رابطه اظهار داشت: «این بیعدالتی ها، و ادامه اشغال مناطق وسیعی از سرزمین های فلسطینی توسط نیروهای اسرائیلی، به نوبه خود ببیگداری های انتحاری را دامن زده اند. این عملیات، به نظر ما، فقط در خدمت صدمه زدن به مبارزه بر حق مردم فلسطین می باشند و با ایجاد تلفات انسانی در میان شهروندان غیر نظامی در شهرهای اسرائیل، به تضعیف موضع نیروهای طرفدار صلح انجامیده است. ما نمی توانیم با موضع دولت های ایالات متحده و یا اسرائیل که منحصرأ مسئولیت پایان دادن به این دور شیطانی خشونت را به دوش یاسر عرفات و مقامات دولت خودمختار فلسطین می گذارند، موافقتی داشته باشیم. در طول ماه های اخیر اسرائیل ساختارهای نیروهای پلیس، امنیتی و نظامی دولت فلسطین و سیستم های ارتباطی آن را منهدم کرده است و لذا عملاً امکان اجرای هرگونه عملکرد موثری را از آن گرفته است. حزب توده ایران مکرراً دور باطل عملیات سرکوبگرانه دولت اسرائیل و تروویسم کور نیروهای افراطی اسلامی را محکوم کرده است.»

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب ما مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در کنفرانس، از جمله هیئت شرکت کننده از سوی دولت خودمختار فلسطین قرار گرفت.

تظاهرات در مقابل سفارت اسرائیل در نیکوزیا

در پایان روز اول کنفرانس به پیشنهاد رهبری «آکل»، شرکت کنندگان کنفرانس در تظاهرات توده ای که از میدان مرکزی نیکوزیا آغاز گردید، شرکت نمودند. در ابتدای تظاهرات رفیق آندروس کپیریانو از جانب «آکل» و شرکت کنندگان در کنفرانس و رفیق هانی الحسن، رهبر فلسطینی، سخنرانی های کوتاهی در لزوم سازمان دهی و اهمیت کارزارهای همبستگی با مردم فلسطین ایراد کردند. حضور نمایندگان احزاب چپ جهان در صفوف اول تظاهرات که تعدادی از اعضای پارلمان قبرس نیز در آن شرکت داشتند، با استقبال مردم قبرس واقع شد. همچنین حضور پر رنگ

ادامه کنفرانس بین المللی برای همبستگی با مردم فلسطین

فلسطین و رهبر منتخب آن باشد. همچنین راه حل مسأله فلسطین نمی تواند بر پایه هرگونه تلاشی برای انحلال کشور اسرائیل باشد. جهت اینکه فرصت هایی برای حل مسأله فلسطین به وجود بیاید، باید به قطعنامه های سازمان ملل و موافقتنامه هایی که دو طرف امضاء کرده اند، احترام گذاشته شده و بطور کامل به مرحله اجرا در بیایند. این مسئولیت در درجه اول و قبل از هر چیز بر دوش طرف قدرتمند تر، و در این مورد ویژه اسرائیل، قرار دارد. اگر هدف دولت اسرائیل صمیمانه در جهت پیدا کردن راه حل برای مسأله قرار دارد، باید دست به ابتکاراتی بزند که پیش شرط های آن را ایجاد کند... «ما خواستار اجرای فوری مصوبه ۱۴۰۲ شورای امنیت سازمان ملل که پایان تجاوز اسرائیل بر ضد مردم فلسطین و خروج ارتش اسرائیل از مناطق تحت کنترل دولت فلسطین را طلب می کند، هستیم.» «در نهایت موضع «آکل» این است که باید بطور مشابهی کشور اسرائیل از طرف فلسطینی ها و اعراب بطور کلی به رسمیت شناخته شود.»

پس از سخنرانی رفیق کریستوفیاس، رفیق احمد سعد، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اسرائیل، در میان ابراز احساسات نمایندگان، سخنرانی خود را در رابطه با بحران حاضر ارائه داد. رفیق سعد در بخش عمده ای از سخنان خود این حقیقت را که دولت ایالات متحده به حل عادلانه و صلح آمیز مسأله فلسطین اعتقادی ندارد و بلکه منافع برتری طلبانه خود در رابطه با خاورمیانه را مد نظر دارد.

• • ■

نماینده حزب مان در سخنرانی خود که محور های اصلی آن در بیانیه ۱۲ فروردین کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با تحولات فلسطین مطرح شده است، ضمن حمایت از مبارزه بر حق مردم فلسطین به بازشماری برخی پی آمده های بین المللی بحران کنونی پرداخت.

■ ■ ■

رفیق لئونید ایوانچنکو، معاون صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در سخنان پر اهمیت خود در کنفرانس از جمله اظهار داشت: «... این دشوار است که در این لحظات بحرانی در حالیکه هر ساعت و هر روز اخباری فاجعه بار از فلسطین به ما می رسد، در برابر شما نمایندگان احزاب، جنبش ها و سازمان ها ایراد نطق کرد. ما همه شاهد عملیات جنگی بی سابقه و در واقع تجاوز گرانه در رابطه با مردم فلسطین هستیم. نظامیان اسرائیلی به تظاهر کنندگان خواهان صلح آتش گشوده اند. تمام قطعنامه هایی که در سازمان ملل، شورای امنیت مورد تصویب قرار می گیرند، از سوی اسرائیل نادیده گرفته می شود. چرا این مورد مهم است؟ چون به باور ما اسرائیل تحت چشم پوشی آمریکا مرتکب این اعمال می شود. «بدترین سرمشقی» که دستگاه سیاست گذاری کنونی آمریکا جاری کرده است اینست که: «هر کس که با ما نیست- پس مخالف ماست.» این شعار بوش در سپتامبر سال گذشته اکنون به تز تعیین کننده واکنش نظامی کنونی اسرائیل تبدیل شده است. تحت بهانه پیروی از لوی «مبارزه با تروویسم» که از سوی آمریکا مطرح شد، اکنون اسرائیل هر که را مطلوبشان نیست، تروویست می خوانند. شارون تحت پشتیبانی محرز و در توافق با آمریکا عمل می کند... «ما معتقدیم که تمام اتفاقات کنونی خاورمیانه و قبل از هر چیز در فلسطین نتیجه سیاست های ایالات متحده آمریکا است. آن ها بودند که با در انحصار گرفتن نقش «آفریننده صلح»، همه دیگر کشور هایی را که آماده اجرای سهم خود در پیدا کردن راه حل صلح آمیز درگیری ها بودند، از این پروسه بیرون راندند. و چنین سیاستی است که وضعیت را در منطقه به بن بست کشانده. از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا برای خروج از بحران راه حل قابل قبولی برای ارائه ندارد. و امروز آمریکا در اساس حل مشکلات را منحصرأ به شارون سپرده است. این طریقه «مدیریت» آمریکایی به شارون این امکان را داده است که بر خلاف میل و نظر جامعه بین المللی عمل نماید. افکار عمومی بطور گسترده تحت تاثیر رسانه های گروهی که روایت های تحریف شده ای از زندگی، اعتقاد و خواست مردم فلسطین را نشان می دهند، قرار گرفته است. برای اثبات این حقیقت کافی است که رپورتاژ های تلویزیونی و مقالات فراوان منتشره در روزنامه ها را دنبال کرد.»

در رابطه با راه حل های بحران کنونی رفیق ایوانچنکو اظهار داشت: «ما معتقدیم که قبل از هر چیز ضرورت هماهنگی فعالیت های تمامی احزاب و تشکل هایی که از مبارزه فلسطینی ها اعلام حمایت می کنند وجود دارد. سازمان هایی مانند سازمان همبستگی کشورهای آسیایی و آفریقایی و شورای جهانی صلح اقدامات فراوانی را انجام داده اند. ما معتقدیم که تشریک مساعی با این سازمان ها ضرورت دارد. نمایندگان کمونیست و سخنگویان احزاب مترقی در پارلمان های ملی می توانند با ایراد نطق های مبتکرانه و ارائه طریق در اتخاذ تدابیر

ادامه درس تاریخی که باید آن را آموخت ...

هفته در زمینه «مجمع تشخیص مصلحت» نمونه جالبی از این طرز تفکر و تلاش برای حفظ پایه های رژیم استبدادی است. در حالی که اکثریت مردم و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور به روشنی و درستی اعتقاد دارند که نهادهای انتسابی همچون مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و قوه قضائیه چیزی جز بازوان ارتجاع در راه حفظ منافع خود نیست شماری از شخصیت های مدعی اصلاح طلبی تلاش می کنند تا با حفظ این ساختارها تنها به عدم توازن در ترکیب این نهادها اعتراض کنند و خواست جنبش مردمی را در سطح گنجاندن یکی دو چهره از جناح مخالف در ترکیب این نهاد تقلیل دهند. سخنان کروی، در جریان بحث های مجلس پیرامون ترکیب مجمع تشخیص مصلحت در این زمینه بسیار گویا و افشاگرانه است. کروی، در تذکر به سخنان تند فاطمه حقیقت جو در انتقاد به ترکیب این مجمع غیر مردمی و غیر دموکراتیک، آگاهانه تلاش می کند تا با نام بردن از کسانی همچون حسین مظفر و مجید انصاری به عنوان نمایندگان جناح «چپ»، باهنر و حداد عادل به عنوان جناح «راست» و جنایتکارانی همچون «ری شهری» این نظریه را طرح کند که از همه جناح ها در این ترکیب دیده می شوند و اصل وجود چنین نهادهایی را از زیر ضربه خارج کند.

در واقع مشکلی که مردم و خصوصاً نیروهای اجتماعی مدافع روند اصلاحات در سال های اخیر با آن روبرو بوده اند، به جز حملات پی در پی مرتجعان و تاریک اندیشان مدافع «ولایت مطلقه» تلاش های بخش های مهمی از جناح اصلاح طلبان حکومتی برای محدود کردن خواست های جنبش مردمی و تقلیل آن به حربه پی برای رایزنی با جناح حاکم است. بن بست روند اصلاحات در میهن ما بعضاً به دلیل بی برنامهگی، بی سیاستی و مماشات و تسلیم طلبی نیروهایی است که مردم به آنها در راه تحقق قول هایشان اعتماد کردند. درس دیگری که باید از تاریخ گرفت این است که اعتماد توده ها به نیروهای سیاسی، شخصیت ها و منتخبان آنان نیز بی پایان و ازلی نیست. سقوط ارزش و اعتبار معنوی شماری از اصلاح طلبان حکومتی در نزد افکار عمومی جامعه ما نیز بیش از هر چیز به عملکرد این افراد و پایبندی آنان در راه تحقق قول هایشان وابسته است.

آینده جنبش اصلاح طلبی و امکان تحقق خواست توده ها را تنها با سازماندهی جنبش مردمی بر پایه برنامه سیاسی واحد می توان بیمه کرد. این وظیفه تأخیر ناپذیری است که باید در راه آن همه تلاش و امکانات را به کار بست. پس از پنج سال «رایزنی» با حاکمان تاریک اندیش و بی ثمر بودن تاکتیک های شکست خورده بی همچون «آرامش فعال» آیا زمان آن نرسیده است که حقیقت را درباره اصلاح ناپذیر بودن ساختار ضد مردمی و مرتجع «ولایت فقیه» به مردم گفت و آنان را برای مبارزه در راه طرد این ساختار بسیج کرد؟

ادامه کنفرانس بین المللی برای همبستگی با مردم فلسطین

نمایندگان اتحادیه های کارگری صنوف صنایع چوب و مصنوعات چوبی از ۲۶ کشور جهان، از جمله هند، ویتنام، استرالیا، که برای شرکت در کنفرانس سالانه خود در قبرس حضور داشتند، جنبه بین المللی این آکسیون اعتراضی را بر جسته نمود. تظاهر کنندگان پس از راهپیمایی در خیابان های مرکزی در پایان در مقابل سفارت اسرائیل که در حلقه حفاظتی ارتش و پلیس قبرس قرار داشت، به دادن شعارهای اعتراضی اقدام کردند. در آخرین جلسه کنفرانس طرح های پیشنهادی «قطعنامه همبستگی با مردم فلسطین» و ابتکارهای عملی برای همبستگی با مردم فلسطین مورد بحث قرار گرفت و پس از بحث طولانی و تصحیحات لازم بر پایه پیشنهادات و اصلاحات پیشنهادی نمایندگان به تصویب رسید.

قطعنامه همبستگی با مردم فلسطین

کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های چپ در همبستگی با مردم فلسطین، در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین ماه در نیکوزیا، قبرس، با شرکت ۴۳ حزب و سازمان از ۲۲ کشور صورت گرفت، پس از تبادل نظر درباره وخیم شدن جدی اوضاع در مناطق فلسطینی به دلیل تجاوز اسرائیل و خطرات قابل پیش بینی برای صلح و ثبات در کل منطقه مفاد ذیل را مور تصویب قرار می دهد:

۱- جنگ اعلام نشده و حمله همه جانبه اسرائیل برضد مردم فلسطین، مقامات دولت خودمختار فلسطین و رهبران فلسطینی را تقبیح نموده و خواستار پایان فوری آن و عقب نشینی فوری ارتش اسرائیل از مناطق خودمختار فلسطینی می باشد. بطور ویژه، تلاش برای نابود کردن باسرعرفات رئیس جمهور انتخابی فلسطین و تنها نماینده قانونی مردم فلسطین را محکوم می کند و خواستار برچیدن فوری محاصره او می باشد. تمام آن نیروهایی در جامعه بین المللی را که حملات وحشیانه اسرائیل برضد فلسطین را قبول و تشویق می کنند، محکوم می نماید.

۲- نگرانی خود را در مورد نتایج منفی و خطراتی که تجاوزات وحشیانه اسرائیل برای صلح و ثبات در کل منطقه و در سطح جهانی و بخصوص روی مردم فلسطین خواهد داشت، اظهار می دارد.

بر این باور است که عملیات بیرحمانه اعمال شده توسط ارتش اسرائیل برضد مردم غیرنظامی فلسطین، تلاش برای از بین بردن تمام ساختارهای فیزیکی و زیر بنا و منابع اقتصادی مردم فلسطین امکان بقای آنها را محدود می کند و به مثابه یک کشتار جمعی هدفمند می باشد.

۳- همبستگی خود با نیروهای طرفدار صلح در اسرائیل را که در تلاش برای پایان بخشیدن به حمله اسرائیل و دستیابی به یک راه حل عادلانه و صلح آمیز که در خدمت و به نفع مردم هر دو کشور می باشند، را اعلام می کند.

۴- سازمان ملل متحد را فرا می خواند که تمام اقدامات مناسب و ضرور برای اجرای فوری قطعنامه های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۲ مصوبه شورای امنیت سازمان ملل را به عمل آورد.

سازمان ملل را فرا می خواند که قدمهای فوری و قاطع برای پایان بخشیدن به جنگ و گسیل یک نیروی حافظ صلح سازمان ملل به قلمروهای فلسطین برای حفاظت از مردم فلسطین و جلوگیری از هرگونه خورنیزی بیشتر بردارد.

۵- جامعه بین المللی، اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا، اتحادیه کشورهای عرب را فرا می خواند که از تلاش های سازمان ملل حمایت کنند و دولت اسرائیل را برای پذیرش قطعنامه های مربوط سازمان ملل تحت فشار بگذارند.

مخصوصاً از تمام نیروهای ترقی خواه و دوستدار صلح جهان درخواست می کند که با بسیج عمومی برضد این جنایت زشت و منفور که در آغاز سومین هزاره برضد مردم فلسطین اعمال می شود، واکنش نشان دهند.

۶- هدف هر کسی باید پایان بخشیدن فوری به حمله اسرائیل و ایجاد پیش شرط های لازم برای بازگشت به پروسه مذاکرات تحت نظارت سازمان ملل باشد. راه حل مورد هدف باید بر پایه قطعنامه های سازمان ملل (۲۴۲ و ۳۳۸ و ۱۹۴ و ۲۴۵) باشد که عقب نشینی ارتش اسرائیل از تمام قلمرو فلسطینی، بلندی های جولان و باقیمانده سرزمین های عربی که از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال بوده اندرا تصویب کرده، و حقوق قانونی مردم فلسطین، و بخصوص حق بازگشت فلسطینی ها به سرزمین زادگاه خود و ایجاد کشور مستقل فلسطین که بیت المقدس شرقی پایتخت آن باشد، را به رسمیت شناخته است.

برای حاکم شدن صلح ضروری است که شرایط امنیت برای تمام کشورها و خلق ها در منطقه ایجاد شود.

۷- آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی عرب از زندان های اسرائیل را طلب می کند.

نیکوزیا، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۸۱

طرح پیشنهادی برای فعالیت ها - تظاهرات برای همبستگی با مردم فلسطین

آ.ک.ای.ال برنامه ها و فعالیت های بدنیا آمده را پیشنهاد می کند، که احزاب شرکت کننده در کنفرانس بین المللی اتحاد با مردم فلسطین برگزار شده در پنجم و ششم اپریل ۲۰۰۲، می توانند عهده دارانجام آنها شوند.

۱- یک گروه از احزاب شرکت کننده در کنفرانس بین المللی به عهده بگیرند که به نمایندگی از سوی همه احزاب حاضر به رام الله مسافرت کنند. ایجاد یک گروه هماهنگ کننده مرکب از «الفتح» - «اکل» - حزب کمونیست اسرائیل و «اتحاد چپ اسپانیا» برای هماهنگی بعدی فعالیت های احزاب. از جمله امکان برنامه ریزی کردن یک کنفرانس بین المللی و برنامه های اتحاد با مردم فلسطین را در

ادامه کنفرانس بین المللی

فلسطین بدقت بررسی کنند. «آکل» باید هماهنگی این تلاشها را بعهده بگیرد.

۲ - شرکت فعالانه در سازماندهی و برگزاری تظاهرات توده ای در اروپا و جاهای دیگر که توسط احزاب، گروهها و جنبش های چپ برنامه ریزی می شود.

۳ - سازماندهی همزمان بسیج مسالمت آمیز مردمی در هر تعداد کشورهایی که امکان پذیر می باشد، همچنین اعتراض کردن به سفارت خانه های اسرائیل در چنین کشورهایی.

۴ - تقاضا کردن از مقامات دولتی کشورهای احزاب شرکت کننده (هر کجا که امکان پذیر است) برای تاثیرگذاری و تحت فشار گذاشتن دولت اسرائیل در جهت پایان بخشیدن به اشغال سرزمین فلسطین، عمل به مصوبات سازمان ملل و از سرگیری مذاکرات صلح برای پایان دادن به مسأله. سازمان دادن یک فراخوان خطاب به سازمان های ملی و بین المللی با هدف توسعه ابتکارات برای پایان بخشیدن به تجاوزگری اسرائیل، حمایت از مبارزه مردم فلسطین و همبستگی با مردم فلسطین.

۵ - درخواست خاتمه کمک های اقتصادی و نظامی به اسرائیل از سوی کشورهای تأمین کننده اسلحه.

۶ - فعالیت کردن در چهارچوب پارلمان های ملی و پارلمان اروپا و در همکاری با اتحادیه نیروهای چپ اروپا / سبزی های چپ کشورهای اروپای شمالی، همچنین با اجلاس پارلمانی شورای اروپا در جهت پایان بخشیدن به اشغالگری اسرائیل. در صورتی که اسرائیل به این امر گردن نهد، اتخاذ اقدامات مستقیم مورد توجه قرار گیرد. بعلاوه گسترش بخشیدن برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین.

۷ - سازماندهی یک کارزار با هدف ارسال نامه و کارت های اعتراضی به دولت و سفارتخانه های اسرائیل.

۸ - کارزار حقوقی (قضایی) برای فرستادن آریل شارون به دادگاه بین المللی حقوق بشر.

۹ - سازماندهی جمع آوری و اهدای خون در سطح ملی، جمع آوری وسایل و داروهای کمکی پزشکی و جمع آوری اعانه برای کمک مالی که برای مردم فلسطین ارسال خواهد شد.

نیکوزیا، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۸۱

پیروزی خلق و شکست کودتای نظامی در ونزوئلا

در واکنشی تاریخی و کم نظیر، زحمتکشان و زاغه نشینان ونزوئلا کودتا چپان دست راستی را که در جریان یک توطئه طراحی شده توسط سرمایه داران وابسته دولت منتخب، ترقیخواه و مردمی «هوگو چاوز» را در روز ۲۳ فروردین سرنگون کرده بودند، شکست داده و دولت قانونی را اعاده کردند. نیروهای نظامی وفادار به رئیس جمهور با همراه شدن با مردم که پس از کودتا به تظاهرات اعتراضی وسیع در پایتخت اقدام کرده بودند، و حرکت بسوی کاخ ریاست جمهوری که در تصرف کودتاچیان بود، توطئه خطرناک آمریکایی را به شکست کشاندند. «هوگو چاوز» که توسط کودتاچیان در جزیره «لا اورچیللا» زندانی شده بود، پس از سقوط کودتا در میان استقبال مردم به کاراکاس، پایتخت کشور باز گشت. کودتا چپان از همان ساعت های اول کودتا با اعلام کردن رئیس اتاق بازرگانی ونزوئلا (همتای ونزوئلای عسکر اولادی)، منحل کردن پارلمان و معلق کردن قانون اساسی ماهیت اصلی خود را به نمایش گذارده بودند. این اقدامات و اظهار خوشحالی و حمایت سخنگویان رسمی دولت آمریکا در همان لحظات ابتدائی زحمتکشان و ملیون کشور را در مقابل این سؤال قرار داد که هرگونه تعللی استقلال و تمامیت آزادی در کشور را با خطر جدی روبرو خواهد کرد. اقدام به موقع، متهورانه زحمتکشان به مردم جهان نشان داد که چگونه خلقی مصمم و آماده می تواند حتی در مقابل امپریالیسم و متحدان نظامی و مرتجع داخلی اش از دموکراسی و استقلال خود دفاع کند.

کودتای ۲۳ فروردین نتیجه نهایی اقدامات ضدانقلابی ای بود که مکرراً از سوی «هوگو چاوز» رئیس جمهور این کشور در مورد آن اعلام خطر شده بود. بهانه نیروهای نظامی برای کودتا مانند همه کودتاها اعاده نظم در شرایط برانگیخته ای بود که خود و سرمایه داری سرسپرده این کشور در ایجاد آن دست داشتند. دولت «چاوز» در مقابله با کار شکنی های صاحبان «شرکت نفت ونزوئلا» که تهدید کرده بودند در اعتراض به برنامه دولت برای تبدیل شرکت های نفتی خصوصی به شرکت های دولتی، دست به یک اعتصاب ۵ هفته ای خواهند زد، و توطئه های ضد دولتی آنها و تهدید به اعتصاب، اعلام کرده بود که تمامی امکانات خود را به کار خواهد گرفت تا بتواند نیازهای نفتی داخلی و خارجی را تأمین کند. «کابلو» معاون رییس جمهور در این مورد گفته بود که دولت نمیتواند اهمال و کارشکنی را بپذیرد. شرکت نفت ونزوئلا بیش از دو میلیون بشکه نفت خام و دیگر مواد نفتی را به شرکت های بزرگ نفتی آمریکا صادر می کند و این امر از نظر اقتصادی نقشی تعیین کننده را در اقتصاد ونزوئلا بازی می کند.

«چاوز» سه سال پیش با نتیجه ای چشمگیر و رای قاطع مردم، با پیروزی در انتخابات ونزوئلا، قدرت را به دست گرفت. او از همان آغاز سعی نمود که با اتخاذ

یک سری اقدامات اصلاحی و از جمله تغییر قانون اساسی و ترکیب مجلس سنا، به نفع مردم رفورم های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را سازماندهی کند. در سه سال گذشته روابط ونزوئلا با کشورهای مترقی و غیر متعهد تقویت گردید.

این اقدامات از همان ابتدا با مخالفت اریستوکراسی و صاحبان سرمایه در کشور و ایالات متحده که منافع خود را در مخاطره می دیدند، روبرو شد. یکی از اقدامات مهم «چاوز» که خشم ایالات متحده را شدیداً برانگیخت، همکاری نزدیک و فعالانه این کشور با سایر اعضای سازمان کشورهای تولید کننده نفت «اوپک» برای تثبیت عادلانه قیمت نفت در بازارهای جهانی بود. این امر خشم کارتل های نفتی را که در حقیقت اهرم های اصلی سیاست گذاری دولت بوش را به دست دارند، برانگیخت. ونزوئلا چهارمین کشور تولید کننده نفت و سومین کشور تأمین کننده نفت ایالات متحده می باشد. پیشنهاد های «چاوز» برای کاهش تولید نفت به منظور جلوگیری از سقوط قیمت نفت در بازارهای بین المللی و همکاری نزدیک این کشور با «اوپک» در شرایط کنونی جهان، برای دولت جمهوریخواه در واشنگتن قابل قبول نبود.

از سوی دیگر روند اصلاحات تاثیر جدی در کشورهای منطقه داشت و این امر محافل حاکمه این کشورها، و ایالات متحده که آمریکای لاتین را حیات خلوت خود محسوب می کند، را به شدت نگران کرده بود. در این میان فقط دولت کوبا بود که با قاطعیت تمام از روند اصلاحات در ونزوئلا حمایت می کرد و در واکنشی سریع در مقابل کودتا آن را طرحی ضد انقلابی از سوی صاحبان سرمایه علیه دولت منتخب «چاوز» خواند. فرانسه نیز کودتای تهاجمی به «حکومت قانون» در ونزوئلا خواند. شرکت دولتی نفت ونزوئلا در واکنش به اظهارات دولت کوبا، اعلام کرد که صادرات نفتی به کوبا را متوقف خواهد کرد. ونزوئلا تأمین کننده بیش از نیمی از نیازهای نفتی کوبا است. همانگونه که کودتا در ونزوئلا نمایشگر ماهیت اصلی ایالات متحده و عدم پایبندی این کشور به اصل آزادی ملت ها برای تعیین سرنوشت خود می باشد، پیروزی ضد کودتا نمایشی موفق از نیروی خلق و توان آن به غلبه بر مشکل ترین معضلات دارد. آنچه در طول سه روز طوفانی در ونزوئلا اتفاق افتاد به واقع به خلق ها درسی مهم می دهد که در مواجهه با عملکرد ضد انقلابیون و محافل ارتجاعی نظیر کودتای کودتای ۲۸ مرداد برضد دولت محمد مصدق و یا کودتای مهر ۱۳۵۲ در شیلی برضد سالوادور آلنده چگونه می توان با بسیج ملی و تشکل مقاومت کرد و پیروز شد. حزب توده ایران ضمن تبریک به نیروهای انقلابی و زحمتکشان ونزوئلا در پیروزی برضد کودتای ارتجاعی، هشدار می دهد همانگونه که تاریخ میهن ما نشان داده است باید هشیار بود که در مقابل توطئه های مجدد و محیلا نه نیروهای زخم خورده ارتجاعی غافلگیر نشد. چاره رنجبران در چنین شرایطی فقط «وحدت و تشکیلات است.»



شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در

کنفرانس بین المللی برای همبستگی با مردم فلسطین «مسأله فلسطین راه حلی نظامی ندارد»

اظهار داشت:

«همبستگی ما با برادران فلسطینی مان و رهبر انقلاب فلسطین، یاسر عرفات، استوار و ناگسستی است. نیروهای اسرائیلی یاسر عرفات را محاصره و عرصه را بر او تنگ کرده اند با هدف اینکه او را در جهان منفرد سازند. به هر تاویل، ساختمان مقر فرماندهی او، که در محاصره می باشد، در این لحظه مرکز توجه تمام جهان قرار دارد. آنجاست که مبارزه برای شرف و عزت بشریت در جریان است. آنها قصد دارند که عرفات را حقیر کرده و به زانو در آورند. اما تنها دستاورد آنها این است که خودشان را حتی منفورتر و مطرودتر می سازند... نتیجه این چرخه خشونت غیرانسانی افسرده کننده است. تصاویری که از فلسطین اشغال شده به ما رسیده، حقیقتاً وحشت آور است و به مثابه یک رسوائی برای بشریت محسوب می شود. هر ساعتی که می گذرد ما را به شعله ور شدن همه گیر درگیری در خاورمیانه که نتایج وحشت باری در تمامی جهان خواهد داشت، نزدیکتر می کند. مسئولیت سنگین و خیم تر شدن اوضاع با طرف اسرائیلی و به ویژه شخص آریل شارون می باشد. هیچ توجیهی برای خونریزی در خیابانهای شهرها و روستاهای فلسطین وجود ندارد. برای «خفه کردن» مردم فلسطین و پایان دادن به ابتکارهای صلح در منطقه، به آن تکیه می کند.»

«آکل» حملات انتحاری را که باعث مرگ مردم غیرمسلح می شود را به عنوان شکلی از مبارزه برای آزادی قبول ندارد.

«ما اینگونه بررسی می کنیم که برخلاف اهداف کسانی که آن را انجام می دهند، و کسانی که دستور آن را می دهند، آنچه که آنها بدست می آورند القای بیشتر حس نفرت و کینه در جنگ افروزان اسرائیلی و تقویت بیشتر فتنه می باشد. الان زمان آن است که جامعه بین المللی یکبار و برای همیشه یک تعریف واضح از مقوله تروریسم را قبول کند که در نتیجه استفاده دلخواهانه و بی دلیل آن نتواند به مبارزات آزادیخواهانه خلقهایی که اعمال آنها هم قانونی و همچنین طبق ضروریات تاکتیکی است، ربط داده شود.»

ما به طور قاطع و یکپارچه اتهامات افترا آمیز مبنی بر اینکه عرفات و مقامات فلسطینی حملات انتحاری را حمایت و سازمان می دهند، رد می کنیم. این ادعاها چیزی جز یک پرده دود برای پنهان ساختن چهره کریمه موج خشونت و تروریسمی که دولت شارون به صورت برنامه ریزی شده اعمال می کند، نیست... رفقای عزیز: وظیفه فوری ما پایان دادن به تجاوز و کشتار جمعی است. وظیفه ادامه یابنده ما پیدا کردن راه حل عادلانه ای برای مشکل فلسطین است، که بدون آن بحران به آسانی خودش را تکرار خواهد کرد. در این مرحله از مسأله فلسطین، همانطور که از تحولات اخیر مشهود می باشد، راه حل از طریق نظامی نمی تواند بدست آید. فرا تراز این، راه حل نمی تواند و نباید بر پایه تعقیب و پیگرد و نابود کردن دولت خودمختار فلسطینی، نابودی مردم

نیوکوزیا، پایتخت قبرس، شهری که هنوز پس از ۲۸ سال آثار اشغال نظامی و دو پارچه شدن را بر چهره دارد در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین ماه جاری میزبان کنفرانس با اهمیت نیروهای چپ جهان در همبستگی با مردم فلسطین بود. برگزاری این کنفرانس که به ابتکار حزب مترقی زحمتکش قبرس (آکل) و در هماهنگی با برخی احزاب برادر و نیروهای ترقی خواه فلسطینی سازمان دهی شده بود. شرکت ۴۳ حزب چپ و دموکراتیک جهان، که برخی از آنها در کشورهای خود قدرت دولتی را بدست دارند، در این اجلاس نمایندگان اهمیت آن و دلیل توجه ویژه محافل سیاسی جهان به بحث ها و تصمیم گیری های کنفرانس بود. شرکت فعال نماینده رسمی دولت خودمختار فلسطینی، و اعضای برجسته رهبری احزاب کمونیست کشورهای خاورمیانه و از جمله حزب کمونیست اسرائیل، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین (نایف حواتمه)، حزب کمونیست سوریه و لبنان و حضور هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست فدراسیون روسیه، چین و کوبا در کنفرانس به مباحثات آن اهمیت خاص داده بود. نمایندگان اکثر احزاب کمونیست اروپایی و از جمله ایتالیا، اسپانیا، آلمان، اتریش، یونان و ارمنستان در اجلاس شرکت داشتند. شرکت هیئت نمایندگی «پاسوک»، حزب سوسیال دموکرات حاکم یونان، در کنفرانس بیانگر این حقیقت بود که کشورهای اروپایی مواضع یکدستی در رابطه با بحران حاضر در رابطه با حمله نیروهای اسرائیلی به فلسطین ندارند. سفیران کشورهای ایبسی، لبنان، سوریه، کوبا و چین به عنوان ناظر در کنفرانس حضور داشته و بحث های کنفرانس را دنبال می کردند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت رهبری حزب برادر، «آکل»، در این کنفرانس بین المللی حضور یافته و در جریان بحث ها و تصمیم گیری های آن فعالانه شرکت داشت. مواضع و پیشنهادات حزب توده ایران که در سخنرانی نماینده کمیته مرکزی منعکس گردید، مورد استقبال احزاب شرکت کننده قرار گرفت.

کنفرانس توسط رفیق آندروس کبیریانو، عضو هیئت سیاسی «آکل» و مسئول بخش امور بین المللی حزب برادر افتتاح گردید. او ضمن تشکر از حضور احزاب حاضر و اظهار نظر در باره اهمیت این کنفرانس از رفیق دمیتریس کریستوفیاس، دبیر کل آکل و سخنگوی پارلمان قبرس دعوت کرد که به نمایندگی از طرف حزب برادر سخنرانی افتتاحیه را ارائه دهد. رفیق کریستوفیاس پس از تشکر از حضور هیئت های دیپلماتیک حاضر و نمایندگان احزاب شرکت کننده با اشاره به وضعیت اسفبار و دردناکی که به دلیل «عملیات وحشیگرانه نیروهای اسرائیلی به دستور نخست وزیر آریل شارون» در مناطق فلسطینی به وجود آمده، تحسین خود از پایمردی مردم فلسطین و رهبران آنان یاسر عرفات را ابراز کرد. رهبر حزب برادر که نقش مهمی در ساختار سیاسی قبرس ایفاء می کند در سخنرانی خود از جمله

ادامه در صفحه ۵

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 632
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16 April 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک